

یونان

ناردو، دان. ۱۹۴۷ - م.
يونان / دان ناردو؛ ترجمه فاطمه شاداب. تهران: ققنوس، ۱۳۸۳
ISBN 964-311-529-1 ۱۵۸ ص: مصور.
فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فيپا.
عنوان اصلی: ۱۴۵-۱۵۲
كتابنامه: ص. ۱۴۵-۱۵۲
نمایه.
۱. یونان - ادبیات نوجوانان. ۲. یونان. الف. شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶ - ،
متترجم. ب. عنوان.
۹۴۹/۵ DF ۷۵۷/ن۲ ۹۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران
م ۱۹۰۰۴-۱۳۸۳

یونان

دان فاردو

ترجمه فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Greece

Don Nardo

Lucent Books, 2000



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
شماره ۱۱۱، تلفن ۰۶ ۰۸ ۴۰ ۵۲ ۹

* * *

دان ناردو

یونان

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ سوم

۷۰۰ نسخه

۱۳۹۳ پاییز

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۱۱ - ۵۲۹ - ۶

ISBN: 978 - 964 - 311 - 529 - 6

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

| | |
|---|-----|
| مقدمه: مردمی که نمی‌توانند گذشته‌شان را به فراموشی بسپارند..... | ۷ |
| ۱. جغرافیا و آب و هوای یونان | ۱۳ |
| ۲. ظهور یونانی‌ها | ۳۱ |
| ۳. از عصر طلایی تا انحطاط و افول | ۴۹ |
| ۴. قرن‌های طولانی و استگی و ابهام | ۶۷ |
| ۵. چالش‌های قرن بیستم | ۸۵ |
| ۶. مردم یونان و فرهنگشان | ۹۹ |
| ۷. دولت و اقتصاد یونان | ۱۱۳ |
| اطلاعاتی درباره یونان | ۱۲۷ |
| یادداشت‌ها | ۱۳۳ |
| گاهشمار | ۱۳۷ |
| منابعی برای مطالعه بیشتر | ۱۴۳ |
| منابع مورد استفاده | ۱۴۵ |
| منابع دیگری که در تألیف کتاب از آن‌ها استفاده شده است | ۱۴۹ |
| نمایه | ۱۵۳ |

مقدمه

مردمی که نمی‌توانند گذشته‌شان را به فراموشی بسپارند

جهانگردان امروزی که به یونان سفر می‌کنند به خوبی می‌دانند که از ویرانه‌هایی دیدار خواهند کرد. اما فقط وقتی که شخص در سراسر کشور گشته باشد، به تعداد بسیار زیاد مناطق باستانی موجود پی می‌برد. بقایای تمدن‌هایی که مدت‌هاست از بین رفته‌اند – نه تنها تمدن یونانی، بلکه تمدن روم، بیزانس، و نیزی‌ها و ترک‌ها – در هر سو به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد در هر گوشه‌ای سنگ‌های ترک‌خورده، ساکت و ساکن زیر آفتاب گرم مدیترانه‌ای جهانگردان را به توقف و امیدارند تا برای لحظه‌ای به یاد بیاورند که در این مکان سال‌ها پیش مردمی می‌زیسته و عشق می‌ورزیده‌اند، همان‌گونه که امروز چنین می‌کنند.

از میان این ویرانه‌ها، بقایای معابد کلاسیک عظیم مانند پارتون، آکروپولیس بر فراز شهر آتن، نشان می‌دهد که یونان که امروز کشوری کوچک با نفوذ و قدرت متوسط است، روزگاری خاستگاه یکی از برترین و بانفوذترین تمدن‌های فرهنگی در تاریخ جهان بوده است. در واقع، یونانیان باستان که سرزمینشان را هلاس¹ و خود را هلنس² می‌نامیدند، میراث فرهنگی فوق العاده‌ای از خود به جا گذاشته‌اند. هنر، پیکرتراشی، اندیشه‌های سیاسی و ادبیات آن‌ها بر شکل‌دهی فرهنگ و اندیشه‌های کشورها و مردمان دنیای غرب از جمله بریتانیا و مهاجرنشین‌های آمریکایی اش که بعدها ایالات متحده آمریکا را تشکیل داد، تأثیر به سزایی داشته است.

وجود ویرانه‌های تمدن‌های روم، بیزانس، و نیز و ترک در یونان



ستونهای ایونی که نمای شرقی ارختشوم، معبد آتنا را که در کناره شمالی آکروپولیس آتن قرار دارد، زینت داده‌اند. این بنا در اوج شکوه دوران طلایی فرهنگ این شهر در اوایل قرن پنجم قبل از میلاد بنا شده است.

مشخص می‌کند که یونانیان باستان بر میهن خود تسلط نداشته‌اند و این که اشغالگران بیگانه یکی پس از دیگری بر این سرزمین حکومت کرده‌اند، هر یک به قدرت رسیده و به نوبه خود افول کرده‌اند. جای شگفتی است که تا چندی پیش نوادگان کسانی که مفهوم آزادی انسان را خلق کردند خود زیر سلطه بیگانگان بوده‌اند، در حالی که موفقیت‌های شگفت‌انگیز پیشینیانشان آن‌ها را احاطه کرده بود. اولین مراحل فراز و نشیب طولانی و سخت فرهنگ‌های گوناگونی را که در خاک یونان پدید آمده است می‌توان به خوبی در این گفتۀ استرینگ‌فلو بار،^۱ محقق پیشین دانشگاه روتگر،^۲ دریافت:

1. Stringfellow Barr

2. Rutger

هشت قرن قبل از میلاد مسیح، جهانی به نام جهان یونانی به وجود آمده بود. این تمدن از سایه‌های مبهم عصر تیرگی ظهر کرد. این تمدن زندگی در پرتو آزادی و قانون را آموخت داد، اندیشه و خلق هنر عالی، نمایشنامه‌های تراژیک، کمدی، تاریخی، فلسفه، ریاضیات و علوم را یاد داد... سرانجام شکست خورد و زیر سلطه فاتحان قرار گرفت... گرفتار رکود شد... و سرانجام در برابر شمشیر و قدرت روم تسليم شد. بخشی از امپراتوری روم شد که فرهنگ یونان باستان را جذب و رقیق کرد و آن را گسترش داد. در بطن آن جامعه‌ای تازه متولد شد، جامعه مسیحی. خدایانش فرو مردند یا از انسان‌ها دوری گزیدند. در شرق پوسته امپراتوری یک فرهنگ جدید یعنی فرهنگ بیزانس را حمایت کرد و در غرب پوسته و بدنه این تمدن در هم شکست و تمدن وارد دوران تیرگی جدیدی (دوران ابتدایی قرون وسطی) شد.^(۱)

با ادامه یافتن دوران قرون وسطی، فرانک‌ها (قومی از قبایل ژرمونی)، ونیزی‌ها، ترک‌های عثمانی هر یک به نوبت بر یونان سلطه یافتند و اختیار آن کشور را در دست گرفتند.

بار سنگین دوران باستان

قرن‌ها از پی هم گذشتند تا بالاخره در دوران افول حکومت ترک‌های عثمانی (در اوایل قرن نوزدهم)، فریاد یونانی‌ها برای کسب استقلال بلند شد. کشور امروزی یونان تشکیل شد و مثل پروانه‌ای که بعد از خواب طولانی از پیله‌ای سر به در می‌آورد، ضعیف، نامطمئن و بی‌ثبات بود. این کشور جدید باید درگیری‌های داخلی بی در پی، مشکلات اقتصادی، استبداد نظامی و دشواری‌های بسیار دیگری را پشت سر می‌گذاشت تا به یکی از اعضای باثبتات و موفق جامعه بین‌المللی مبدل شود.

با وجود چنین تاریخ طولانی و باستانی، شگفت‌انگیز نیست که برای کشور امروزی یونان تاریخ مقوله‌ای فراتر از یک موضوع درسی در مدارس یا چندین واقعه تاریخی باشد که هر ساله باید جشن گرفته شوند. در یونان تاریخ بیشتر به یک یادآور تقریباً زنده، عینی و ثابت می‌ماند. تاریخ به یونانیان یادآوری می‌کند که از کجا آمده‌اند و در عین حال این



واقعیت و تعهد سنگین را به آن‌ها یادآوری می‌کند که آن‌ها در واقع سرپرست و نگاهبان زادگاه و بقایای مقدس فرهنگ غرب هستند. ریچارد کلاگ،^۱ مورخ مطرح یونان امروز، می‌گوید: «تمام کشورها زیر بار تاریخشان هستند».

اما تاریخ یونان به شکل خاصی سنگین است... . بار سنگین تمدن باستان یونان هم برایش نعمت بوده است، هم بالای جان. این که زبان و فرهنگ یونان باستان طی دهه‌های بحرانی احیای مجدد ملی گرایی در سرتاسر اروپا محترم شمرده می‌شد، عامل مهمی در تحریک یونانیان بوده است... . آگاهی از این امر که آنان وارث میراثی بودند که همواره مورد تحسین بوده و هست.^(۲)

چنین تحسین‌هایی هنوز هم ادامه دارد و بر کشور، روابط آن با سایر کشورها و شیوه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، در سال ۱۹۸۰ در

یونانی‌ها اگرچه در مورد شکوه گذشتۀ کشور اشتغال ذهنی دارند، اما به سیاست امروزی هم علاقه‌مند هستند. این عکس (که در اوایل دهۀ ۱۹۷۰ برداشته شده است) دانشجویانی را که خواستار پیوستن قبرس به یونان هستند نشان می‌دهد.

بحبوجه مراحل پایانی پیوستن یونان به جامعه اقتصادی اروپا یک دیپلمات بریتانیایی اظهار داشت که ورود یونان را می‌توان «بازپرداخت دین فرهنگی و سیاسی اروپای امروزی به این کشور خواند زیرا همه ما مرهون میراث تقریباً سه هزار ساله یونان هستیم». ^(۳) در همان زمان دولت یونان پول زیادی برای نگهداری مکان‌های باستانی و قرون وسطایی صرف کرد. جهانگردی یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشور است و بسیاری از یونانی‌ها خود را گرفتار حالتی می‌دانند که آن را پروگنوپلکسی^۱ (وسواس فکری مربوط به باستانیان) و تحسین و تشویق پیروزی‌ها و شکوه گذشته کشورشان می‌خوانند.

با وجودی که یونانیان با خوشبینی شاهد طلوع قرن بیست و یکم هستند، جرئت نمی‌کنند و نمی‌توانند تمدن قرن‌ها پیش را فراموش کنند، گذشته‌ای که آن‌ها را در موقعیت امروزیشان قرار داده است. حتی اگر بجز ویرانه‌های متعدد و پرشکوه از تمدن یونان باستان چیز دیگری باقی نمانده بود، همان ویرانه‌ها برای یادآوری آن دوران کافی است. یکی از جهانگردان رومی پس از بازدید از آتن به دوستش چنین گفته بود: «این شهر پایانی ندارد، هر کجا که قدم می‌گذاریم، بر بخشی از تاریخ قدم گذاشته‌ایم». ^(۴) و این جمله را هنوز هم جهانگردان آمریکایی، آلمانی و فرانسوی، که از آتن دیدار می‌کنند، به زبان می‌آورند.

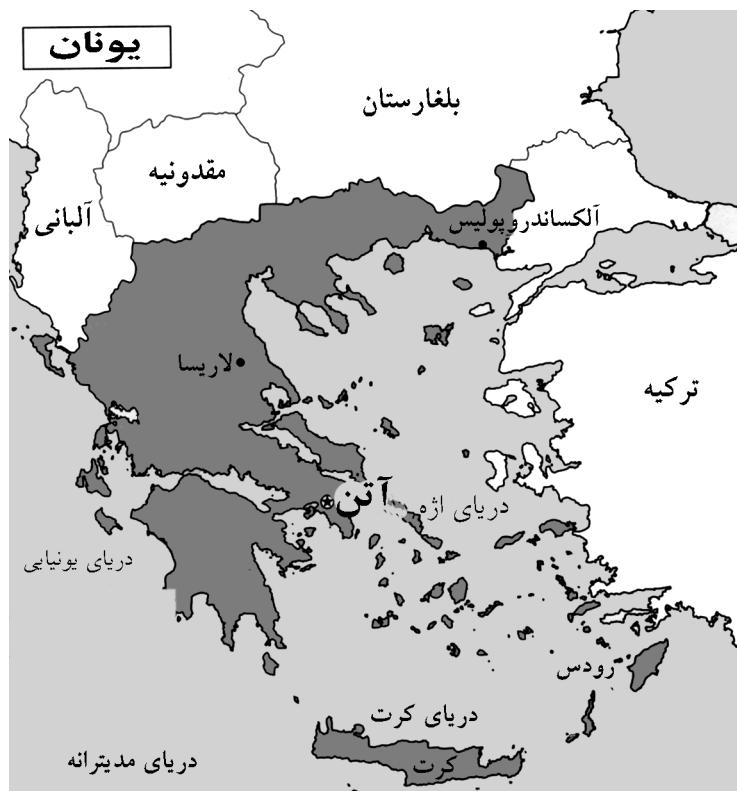
1. Progonoplexy

جغرافیا و آب و هوای یونان

کشور یونان که قبلاً آن را جمهوری هلنی می‌نامیدند، از سرزمین‌های اصلی یونان که جنوبی‌ترین بخش شبه جزیره کوهستانی بالکان را شامل می‌شود و حدود دو هزار جزیره اطرافش تشکیل شده است. سرزمین‌های اصلی و جزایر، روی هم رفته، وسعتی حدود ۱۳۱۹۹۰ کیلومتر مربع دارد که تقریباً برابر وسعت ایالت آلاباما در ایالات متحده آمریکاست. سرزمین‌های اصلی تا حد زیادی با دریاها احاطه شده است. بخش ساحلی جنوب و غرب در مجاورت دریای مدیترانه و ساحل شرقی در مجاورت آب‌های گرم و بسیار آبی دریای اژه (یکی از خلیج‌های کوچک دریای مدیترانه) است. در شمال، کشور با چهار همسایه مرز مشترک دارد که عبارتند از (از غرب به شرق) آلبانی، مقدونیه، بلغارستان و ترکیه.

تأثیر جغرافیا و آب و هوای بر زندگی در یونان

در طول تاریخ، وضعیت جغرافیایی و اقلیم یونان هم بر توسعه سیاسی و هم بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته است. کوه‌های ناهموار با شبیه تندرحدود $\frac{3}{4}$ وسعت یونان از جمله بخش داخلی اغلب جزیره‌ها را پوشانده است و تنها در $\frac{1}{5}$ سطح کشور زمین قابل کشاورزی وجود دارد. زمین‌های حاصلخیز در دره‌های کوهستانی کوچک و متعدد و چند جلگهٔ پست واقع شده‌اند. هیچ یک از رودهای کشور قابل کشتیرانی نیستند که تا حدی به علت مسدود بودن دهانه رودها به دلیل رسوب گل و لای است. چون در دریای مدیترانه تقریباً جزر و مد رخ نمی‌دهد، این رسوابات شسته نمی‌شوند. خط ساحلی طولانی و بندرگاه‌های متعدد واقع در



جزیره‌ها نیز از ویژگی‌های مهم یونان است. در یونان هیچ نقطه‌ای نیست که فاصله‌اش با دریا از صد کیلومتر بیشتر باشد و سرزمین اصلی و جزایر روی هم رفته ساحلی به طول ۱۴۹۱۵ کیلومتر دارند، که برای چنین کشور کوچکی، بسیار زیاد است (برای مقایسه، ایالات متحده با وسعتی تقریباً ۵۸ برابر یونان فقط هشت هزار کیلومتر خط ساحلی دارد که کمی بیش از نیمی از طول ساحل یونان است!).

نتایج و پیامدهای این چند جنبه جغرافیایی مهم را در نظر بگیرید. نزدیک بودن به دریا و خط ساحلی طولانی بیانگر این است که یونان از همان ابتدا کشوری وابسته به دریانوردی بوده است. ساکنان و بازرگانان اولیه یونان طی سفرهای دریاییشان در سواحل دریای مدیترانه و دریای سیاه صدھا مهاجرنشین تأسیس کردند؛ آتن باستانی تا حد زیادی به عنوان یک امپراتوری وابسته به دریا ظهرور کرد و هنوز هم کشتیرانی یکی

از مهم‌ترین منابع درآمد کشور یونان است. چون رودخانه‌ها قابل کشتیرانی نیستند، بنادر نزدیک دهانه رودها ساخته نشده‌اند و تقریباً در طول تاریخ حمل و نقل زمینی کالاهای کار دشواری بوده است. جغرافیای کشور همچنین باعث شده بود یونان به چندین دولتشهر تقسیم شود. این واقعیت را سی.ام.بورا^۱، محقق یونان‌شناس، به خوبی شرح داده است:

برجسته‌ترین جنبه سیاست یونان (باستان) تقسیم کشور به چندین ایالت کوچک بود که هر یک دولت مستقل و ویژگی‌های منطقه‌ای خود را داشت. این شرایط به دلیل وضعیت جغرافیایی منطقه بوده است، زیرا افراد یا در دره‌هایی زندگی می‌کردند که به وسیله کوه‌ها از هم جدا شده بودند یا در سرزمین‌های مرتفعی که راه‌های محدودی به جهان خارج داشتند یا در جزایری که تقریباً خودکفا و مستقل بودند. هر یک از این ایالت‌ها روش‌ها و شیوه‌های زندگی و آیین خاص خود را داشت، زیرا از هم جدا و هر یک مجموعه‌ای کامل بود و کنترل آن‌ها به شیوه دیگری ممکن نبوده است. وجود کوه‌ها برای پیشگیری از تهاجم کافی نبود، ولی برای جلوگیری از یکی شدن ایالت‌ها با هم کافی بود. گهگاه هر یک از ایالت‌ها تحت کنترل یکی از همسایه‌های مهاجم و قدرتمند قرار می‌گرفت... اما در آن حال هم تا حدی استقلال منطقه‌ای و بسیاری از سازمان‌های خود را حفظ می‌کرد.^(۵)

در واقع، یونان باستان از صدها دولتشهر مجزا (حکومت سلطنتی) تشکیل می‌شد. هر یک از آن‌ها خود را یک کشور جداگانه می‌دانست که احتمالاً مهم‌ترین تفاوت جغرافیایی و سیاسی بین یونان باستان و امروزی به شمار می‌رود. قبل از قرن نوزدهم و پیش از آن که سرانجام یونان یک کشور مستقل شود، نام «یونان» نه به یک کشور بلکه به یک منطقه جغرافیایی اطلاق می‌شد که گروه‌های گوناگونی از مردم که به زبانی واحد سخن می‌گفتند و سازمان‌ها و رسوم یکسانی داشتند در آن زندگی می‌کردند. حتی در اواسط قرن بیستم، هنگامی که از تشکیل کشور یونان



بیش از یک سده می‌گذشت، بسیاری از مناطق یونان به دلیل جغرافیای ناهموار منطقه منزوى و دورافتاده باقی مانده بودند. در دوران جنگ، بیگانگانی که از یک دره کوهستانی به دره‌ای دیگر می‌رفتند، گاه به جرم جاسوسی دستگیر می‌شدند. پیتر لوی،^۱ محقق، ملاقات با پسربچه‌ای از اهالی یک روستای کوهستانی یونان را که تا دوازده سالگی دریا را ندیده بود، شرح داده است.^(۶)

آب و هوای یونان نیز در رشد این کشور نقش به سزاوی داشته است. میزان دما و ریزش باران در مناطق مختلف، بسته به ارتفاع و فاصله از دریا متفاوت است. مناطق کوهستانی خنک‌تر و گاه بارانی‌تر و معمولاً در تمام طول سال یا اغلب اوقات از برف پوشیده‌اند. اما، در مجموع، بخش اعظم جنوب سرزمین اصلی و اغلب جزایر آب و هوای «متوسط» دارد که ویژگی آن تابستان‌های گرم، طولانی و خشک و زمستان‌های سرد، کوتاه و نسبتاً مرطوب است. میانگین دما در سطح دریا در ماه ژوئیه ۲۷ درجه سانتیگراد است. و حتی در زمستان روزهایی آفتابی (که همواره گرم

در تصویر بخش پایینی شهر اصلی جزیره اسکوروس نشان داده شده است. این شهر هم مثل اغلب شهرها و روستاهای یونان در ابتدا به صورت جداول‌فتاده‌ای تشکیل شد (تا در سال ۴۷۰ قبل از میلاد توسط آتن فتح شد).

نیست) و درخشان وجود دارد. هوای یونان از بسیاری جهات به هوای منطقه جنوبی ایالت کالیفرنیا در ایالات متحده شبیه است. اولین و واضح‌ترین تأثیر این آب و هوای روی هم رفته خوشایند بر زندگی در یونان، کشیدن مردم به بیرون از خانه‌هاست. در دوران باستان گردهمایی‌های شهروندان، مراسم نیایش گروهی، اجرای نمایشنامه‌ها و وقایع دیگری از این قبیل در فضای باز و هوای آزاد برگزار می‌شد. و در تمام طول تاریخ یونان، مردم خانه‌شان را صرفاً جایی برای خوابیدن و سایر کارهای شخصی لازم می‌دانستند و همهمه بازار، گوشه و کنار خیابان یا دیگر تجمع‌های گروهی بیرون از خانه را ترجیح می‌دادند. آب و هوا با گوناگونی‌های فصلی و منطقه‌ای‌اش در شکل‌دهی چنین فعالیت‌هایی از قبیل کشت زمین، چرای دام‌ها، برگزاری جشنواره‌های مذهبی و جابجایی سربازها و جنگ و نبردها نقش کلیدی داشته است.

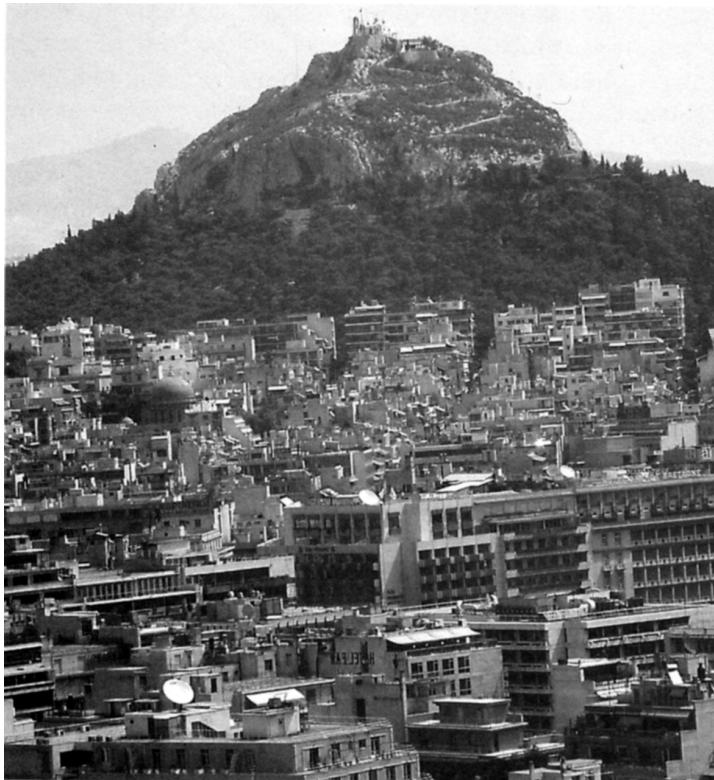
بخش کوهستانی شمال یونان

بجز عوامل جغرافیایی و آب و هوایی، تنوع منطقه‌ای و ویژگی‌های آن به محیط زیست یونان بافتی غنی، غالباً تماشایی و بسیار خوشایند بخشیده است. گوناگونی و زیبایی مناظر یکی از دلایل اصلی جذب ساکنان و جهانگردان به این منطقه بوده است. تنوع منطقه‌ای این کشور با شرح سه منطقه اصلی جغرافیایی که هر یک به سه زیرمنطقه تقسیم می‌شوند، معلوم می‌شود.

اولین منطقه بزرگ سرزمین اصلی یونان در شمال است که از تراکیه، مقدونیه و اپیروس^۱ تشکیل شده است. در دوران باستان، تراکیه منطقه وسیعی بود که درست در شمال دریای اژه قرار داشت و از طریق جلگه حاصلخیز و کم عرضی که در طول ساحل کشیده شده بود به داخل کشور (به سمت شمال) به کوه‌های ناهموار رودوپی^۲ متصل می‌شد. کوه‌های رودوپی از نظر فرهنگی عقب‌مانده‌تر بودند و هنگامی که آتن و سایر

1. Epirus

2. Rhodope

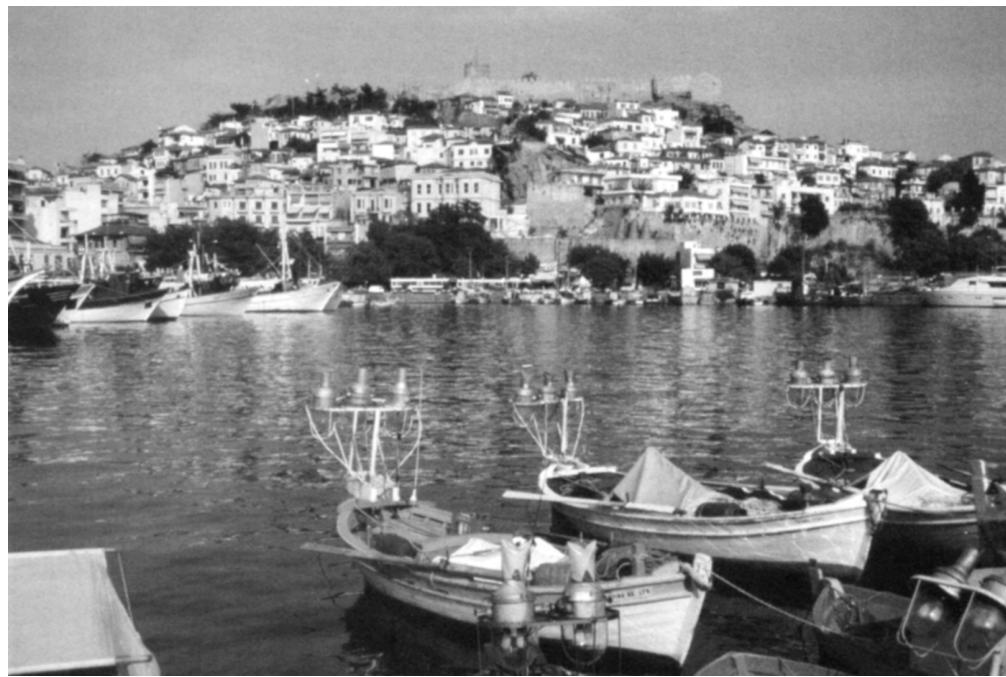


تصویری از مرکز شهر آتن (که کوه لیکاویتوس با فاصله‌ای از آن سر به آسمان کشیده است). در تصویر پیداست که این شهر طی چند دهه اخیر چه اندازه بزرگ و پرجمعیت شده است.

شهرهای جنوبی یونان در اوج فرهنگی بودند، قبایل جنگ طلب در این کوه‌ها زندگی می‌کردند. تراکیه باستانی به سوی شرق تا تنگه‌ای که آن زمان آن را هلسپونت و امروزه آن را داردانل می‌نامند گسترش یافته بود و سرانجام به پروپونتیس^۱ (امروزه دریای مرمره نامیده می‌شود) ختم می‌شد. امروزه تراکیه یونان بسیار کوچک‌تر است. تنگه داردانل در کشور ترکیه قرار دارد و مرز شرقی تراکیه را رود ماریتسا^۲ در نود کیلومتری شمال غرب تنگه که همان مرز ترکیه و یونان نیز هست مشخص می‌کند. بخشی عظیمی از کوه‌های رودوبی در کشور بلغارستان قرار گرفته است و امروزه تراکیه یونان همان چهل تا پنجاه کیلومتری است که در ساحل دریای اژه واقع شده است.

1. Propontis

2. Maritsa



قایقهای ماهیگیری در کنار اسکله شهر مدرن کاوala،^۲ شهر پرشکوه یونانی که در ساحل شمالی دریای اژه نزدیک مرز تراکیه و مقدونیه قرار دارد. هنگامی که از تراکیه به سمت غرب برویم، وارد مقدونیه یونان می‌شویم که در حدود شمال غربی اژه واقع شده است. مقدونیه نیز مثل تراکیه در دوران باستان به مراتب بزرگ‌تر بود. در قرن چهارم قبل از میلاد، مقدونیه کشور سلطنتی قدرتمندی بود که فیلیپ دوم حاکم آن بود و پس از او پسر لایقش اسکندر سوم (که لقب اسکندر کبیر به او داده شده است) بر آن سرزمین حکومت کرد. آن منطقه قدیمی امروزه بین یونان و دو کشور دیگر یعنی بلغارستان و جمهوری مقدونیه (از جمهوری‌های سابق یوگسلاوی) تقسیم شده است.

بخش اعظم مقدونیه یونان از کوه‌های ناهموار تشکیل شده که جابجا دره‌های حاصلخیز رودخانه‌ها را در خود جای داده است و یک جلگه ساحلی را هم که رود واردار^۱ از آن می‌گذرد، شامل می‌شود. اما

1. Vardar

2. Kavalla

چشمگیرترین بخش مقدونیه شبه جزیره خالکیدیکه^۱ است که از سه زایده انگشت‌مانند صخره‌ای به سمت جنوب شرقی رو به دریای اژه کشیده شده‌اند. در رأس زایده شرقی کوه آتوس با ارتفاع ۱۹۵۰ متر قرار گرفته است که در نزدیکی آن بسیاری از کشتی‌ها (گاهی یک ناوگان کامل) طی هزاران سال از بین رفته‌اند. بین شبه جزیره خالکیدیکه و دهانه رود واردار، شهر تصالوونیکی قرار گرفته است که ۳۱۵ سال قبل از میلاد به وجود آمده و امروزه با داشتن جمعیتی بالغ بر هفت‌صد هزار نفر دومین شهر و بندر بزرگ یونان است.

در جنوب مقدونیه سومین بخش منطقه شمالی قرار دارد که اپیروس نامیده شده و از مرز آلبانی به سمت جنوب تا خلیج آمبراسیا (محل نبرد دریایی معروف آکتیوم که طی آن رومی‌ها آنتونیوس و کلثوپاترا را در سال ۳۱ قبل از میلاد شکست دادند) امتداد یافته است. اپیروس هم در دوران باستان وسعت بیشتری داشت و در آن زمان یک کشور سلطنتی کوهستانی دوردست بود که معمولاً از جریان فرهنگی یونانیان جدا افتاده بود. حتی امروزه، این منطقه دور از دسترس است و جمعیت اندکی دارد. این وضعیت به دلیل وجود کوه‌های پیندوس^۲ است که در امتداد شمالی-جنوبی از میان اپیروس می‌گذرد و ارتفاعی حدود ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ متر دارد. در این کوه‌ها هیچ گذرگاه طبیعی برای عبور از شرق به غرب وجود ندارد و این منطقه فاقد دره رودخانه‌های بزرگ است، مثل آنچه در مقدونیه وجود دارد، و به همین دلیل کشاورزی در این منطقه بی‌رونق است.

مناظر و مکان‌های بخش جنوبی

دومین منطقه یونان که بخش جنوبی سرزمین اصلی است شامل تosalی، یونان مرکزی و پلوپونز است. تosalی بین اپیروس شرقی، جنوب مقدونیه و ساحل غربی دریای اژه واقع شده است. کوه اولمپ نمای اصلی بخش شمالی تosalی است که حدود ۲۹۰۰ متر ارتفاع دارد و مرتفع‌ترین کوه

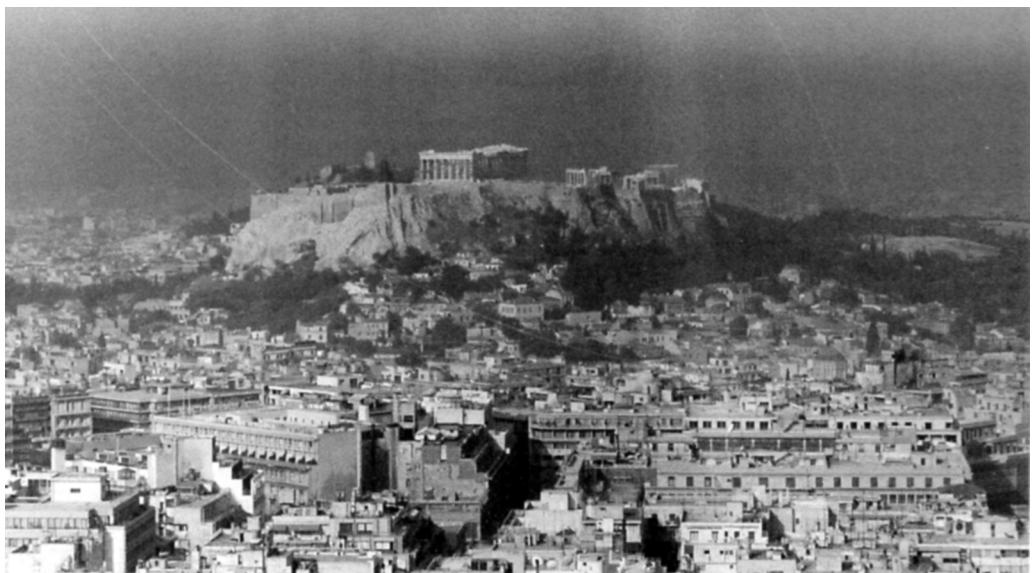


قلل کوه اولمپ در شمال تسالی. این قله‌ها را می‌توان از هر جهتی از فاصله چند کیلومتری دید. در دوران ابتدایی یونان، گمان بر این بود که این کوه جایگاه خدایان است. در دوران اولیه باستان گمان بر این بود که کوه اولمپ خانه خدایان است. این کوه که از چند قله تشکیل شده (و معمولاً با برف پوشیده شده‌اند) قسمت وسیعی از این سرزمین خارق العاده را اشغال کرده است. هنگامی که در طول ساحل به سمت جنوب برویم، به شبے جزیره ماگنسیا^۱ می‌رسیم که یک خلیج بزرگ یعنی خلیج پاگاسایی^۲ را در بر می‌گیرد. طبق داستان‌های کهن جیسون و قهرمانان (آرگonauts نشین‌ها)^۳ سفر خود را در جستجوی کشور اساطیری قوق طلایی از این خلیج آغاز کردند. نمای جغرافیایی بارز در تسالی مرکزی و جنوبی، جلگه مرکزی آن است که بزرگ‌ترین و حاصلخیزترین سرزمین در سراسر یونان است. در روزگاران کهن، این منطقه به جهت پرورش اسب، گاو و غلات مشهور بود و هنوز هم تولید غلات و پرورش دام در این منطقه رواج دارد.

1. Magnesian

2. Pagasai

3. Argonauts



درست در جنوب تسالی و اپیروس بخش مرکزی یونان قرار گرفته است که بسیاری از شهرهای قدرتمند و با فرهنگ یونان باستان در این منطقه واقع شده‌اند. اثوبویا گرچه یک جزیره است که در امتداد شمال غربی به جنوب شرقی قرار گرفته و ساحل شرقی سرزمین اصلی را دربر گرفته است، بخشنی از سرزمین اصلی به شمار می‌آید. اثوبویا طولی بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر و پهنایی حدود پنجاه کیلومتر دارد و دومین جزیره بزرگ کشور به شمار می‌آید. در دره‌های حاصلخیز این جزیره زیتون‌های عالی، انگور و غلات پرورش داده می‌شود.

در جنوب بخش مرکزی اثوبویا شبه جزیره تقریباً مثلثی شکل آتیک با وسعتی حدود ۱۶۰۰ کیلومتر مربع قرار گرفته که جایگاه شهر آتن است. آتن مشهورترین شهر و ایالت یونان باستان و پایتخت کشور امروزی یونان است که در هفت کیلومتری ساحل خلیج سارونیک (یکی از ورودی‌های دریای اژه) در غرب آتیک واقع شده است. آتن بزرگ‌ترین شهر یونان است و بیش از سه میلیون نفر جمعیت دارد که تقریباً $\frac{1}{4}$ کل جمعیت کشور (جمعیت یونان در سال ۲۰۰۰ یازده میلیون نفر بود) را در خود جای داده

با رشد زیاد جمعیت و گسترش شهر، آتن با افزایش بی‌اندازه تعداد اتومبیل‌ها و سایر وسائل نقلیه روپرتو شده است. دفع مواد زائد این وسائل موتوری باعث ایجاد مه غلیظی شده که در سال ۱۹۹۱ بر آکرپولیس سایه انداخته است.

است. بخش مرکزی عظیم آتن که بسیار پر از دحام، بی نظم و پرسرو صداست (و در بسیاری قسمت‌ها بسیار کثیف است)، تا حد زیادی از گسترش بی رویه شهر در قرن بیستم ناشی شده است.

گلن کورتیس^۱ پژوهشگر، می‌گوید: «صنعتی شدن سریع و جابجایی جمعیت در کنار افزایش ساخت و سازهای مسکونی و بزرگراه‌ها، بدون وجود برنامه‌ای برای استفاده بهینه از زمین یا ساختار حمل و نقل... باعث شد در اواسط دهه ۱۹۹۰ آتن به یک کلان شهر پر جمعیت و پیچیده تبدیل شود.»^(۷)

بخش مرکزی آتن شامل بزرگ‌ترین و شلوغ‌ترین بندر کشور یعنی پیرائیوس^۲ می‌شود که در چند کیلومتری جنوب غربی خلیج سارونیک واقع شده است. وقتی گستره دریایی شهر در قرن پنجم به اوج خود رسیده بود، مرکز شهر – که مشخصه آن، آکرپولیس، کوه صخره‌ای مرکزی است – به وسیله دیواره‌های بلند به پیرائیوس متصل شده بود و این موانع سنگی راهروی امنی را که به دریا متنه می‌شد، ایجاد کرده بودند. مدت‌های مديدة است که این دیواره‌ها از بین رفته‌اند ولی آکرپولیس باقی است و ویرانه‌های آن مشهورترین منطقه باستان‌شناسی جهان و یکی از محبوب‌ترین جاذبه‌های جهانگردی سراسر دنیا محسوب می‌شود. آکرپولیس چه از نظر نمادین چه از نظر اقتصادی برای یونان چنان بالاهمیت است که شهرداری آتن هر گونه ساخت و سازی را که از کوه مرکزی شهر مرتفع‌تر باشد ممنوع کرده است و به این ترتیب، قله آن را می‌توان از هر جهت از فاصله دور دید. جای شگفتی نیست که این قانون بر گسترش شهر اثر منفی گذاشته باشد، چون مقاطعه کاران نمی‌توانند بناهای مرتفع بسازند، در نتیجه شعاع شهر افزایش یافته است. در شمال آتیک، بئوسی^۳ قرار گرفته است که یکی دیگر از مناطق مهم بخش مرکزی یونان است. در روزگاران کهن، در این منطقه دولتشهر تِب^۴ قرار داشت که غالباً با آتن رقابت می‌کرد. در این شهر جابجا مناطق

1. Glenn Curtis

2. Piraeus

3. Boeotia

4. Thebes

نبردهای باستانی دیده می‌شود که پژوهشگران و جهانگردان بسیاری را به سوی خود جذب می‌کند. کمی به سمت غرب، در منطقه‌ای که در عهد باستان آن را فوکیس می‌خواندند، پای کوه پارناسوس که ارتفاعی حدود ۲۴۰۰ متر دارد، جهانگردان از ویرانه‌های معبد دلفی بازدید می‌کنند. این‌جا محلی است که معبد باستانی آپولو با پیشگوی معروفش، یک زن روحانی (یا در واقع چند نسل از زنان روحانی) وجود داشته است که تصور می‌شود پیام‌های الهی را به زائران می‌رساند است.

درست در جنوب معبد دلفی، خلیج کورنوت گسترش یافته است که نسبتاً عریض است و دهانهٔ غربی آن به خلیج پاتراس گشوده می‌شود که در کنارهٔ غربی یونان به دریای مدیترانه می‌ریزد. در طول خلیج سارونیک، این راه‌های آبی سرزمین جنوبی را تقریباً به دو بخش تقسیم و حدود پلوپونز را معلوم می‌کنند، شبه جزیره‌ای بزرگ که جنوبی‌ترین بخش یونان را تشکیل می‌دهد. پلوپونز به وسیلهٔ برباز کورنوت به بخش مرکزی یونان متصل می‌شود که این دهليز زمینی در باریک‌ترین قسمت، پهناوری حدود شش کیلومتر دارد. یک کanal که در اوآخر سده نوزدهم ساخته شد، از میان این برباز می‌گذرد و کشتی‌ها از طریق این کanal می‌توانند از خلیج سارونیک به خلیج کورنوت برسند. از آن‌جا، از طریق خلیج پاتراس به دریای مدیترانه می‌رسند و به این ترتیب، نیازی نیست تا پلوپونز را دور بزنند و سفر حدود ۳۵۰ کیلومتر کوتاه‌تر می‌شود.

پلوپونز جایگاه چند شهر و مکان باستانی مهم بوده است. مهم‌ترین آن‌ها کورنوت است که درست در جنوب غربی برباز قرار دارد؛ آرگوس در شمال شرق، در پای شبه جزیره بزرگ آرگولید واقع شده؛ اسپارت که به دلیل جنگاوران هراس‌انگیزش شهرت داشته در بخش جنوبی لاکونیا قرار دارد؛ و اولمپ، در شمال غرب، محل برگزاری مشهورترین بازی‌های جشنواره ورزشی بوده است. امروزه بزرگ‌ترین شهر پلوپونز بندر بازرگانی و شلوغ پاتراس است که حدود ۱۶۰ هزار نفر جمعیت دارد و در ساحل جنوبی خلیجی به همین نام قرار گرفته است.

جزایر افسونگر

سومین منطقه جغرافیایی یونان از تعدادی جزیره تشکیل شده است: جزایر یونیایی، جزایر اژه‌ای و جزیره کرت که بزرگ‌ترین و دورترین جزیره کشور است. جزایر یونیایی در طول ساحل غربی از اپیروس شمالی تا پلوپونز شمالی امتداد یافته‌اند. بزرگ‌ترین جزیره این گروه سفالونیا (با گستره‌ای حدود ۳۶۰ کیلومتر مربع) است که در غرب خلیج پاتراس واقع شده است. در مجاورت همسایه کوچک‌ترش ایتاكا، کوهستانی و صخره‌ای است و در این منطقه عمدتاً زیتون و انگور بی‌دانه تولید می‌شود (گفته می‌شود ایتاكای باستانی خاستگاه اولیس قهرمان ادیسه، یکی از دو کتاب حماسی منسوب به هومر شاعر قرن هشتم قبل از میلاد، است). شمالی‌ترین جزیره یونیایی جزیره کُورفو است که حدود صد هزار نفر جمعیت دارد. این جزیره که به دلیل زیبایی و آب و هوای خوشایندش معروف است، هر ساله جهانگردان زیادی را به سوی خود می‌کشاند.

تعداد جزایر افسونگر دریای اژه بیشتر است. بعضی از آن‌ها به صورت رشته‌ای در امتداد شمالی - جنوبی در طول ساحل ترکیه امروزی قرار گرفته‌اند. این جزایر عبارتند از: لمنوس (بیشتر محصول آن

استخوان‌های برهنه در آتیک



افلاطون فیلسوف و دانشمند آتنی قرن چهارم قبل از میلاد، در اثرش تحت عنوان کربیاس مناظر صخره‌ای و خشک میهنش آتیک را چنین شرح داده است که، با حالت کنونی آن کمی متفاوت است:

تمام این کشور یک شبیه جزیره طولانی است که به سوی دریا گسترش یافته و از بقیه سرزمین (سرزمین اصلی یونان) جدا شده است، در حالی که آنکه اطراف در کناره ساحل، همه جا بسیار عمیق است... در اینجا مثل سایر مناطق، گل و لای زیادی از کوه‌ها پایین نمی‌آید و آبرفتی تشکیل نمی‌شود، اما خاک خوب همه جا پخش شده است. بیامد آن این است که... بخش‌های نرم تر و غنی‌تر خاک از بین رفته‌اند و تنها اسکلت زمین باقی مانده است.



گو سفند و بز است)؛ لیسبوس (زیتون)، خیوس (انگور و میوه)، ساموس (در میان جزایر یونان منحصر به فرد است زیرا هنوز هم پوشیده از جنگل است)؛ کوس (میوه، سبزی، زیتون) و روتس (غلات، وسایل زندگی) که در دوران باستان پیکره عظیم روتس و مجسمه غولپیکر بر نزی خدای خورشید هلیوس (و یکی از عجایب هفتگانه جهان) در آن قرار داشته است.

جزایر مرکز دریای اژه به سیکلاد معروفند. این جزایر از نمای بالا شبیه خوش‌های در اطراف دلوس کوچک هستند (فقط پنج کیلومتر طول دارد) که زادگاه اسطوره‌ای خدای آپولو بود و امروزه به واسطه وجود ویرانه‌های وسیع باستانی اش مکان جهانگردی است. در واقع، اغلب جزایر سیکلاد صخره‌ای و خشک هستند. جهانگردان عمدتاً برای بازدید از ویرانه‌ها، استفاده از آفتاب گرم، ساحل‌های زیبا و زندگی شبانه به این جزایر سفر می‌کنند. برای مثال، میکونوس (در شمال شرقی دلوس) منطقه مناسبی برای جوانان خوشگذران است و از این نظر که آب کافی و خاک خوبی برای کشت سبزی و میوه دارد، استثناست.

در این تصویر ویرانه‌های باستانی در جزیره اژه‌ای دلوس نشان داده شده است. زمانی طولانی محل مقدس مذهبی بود که معابدی در آن قرار داشت و به تدریج به محلی برای تجارت برده تبدیل شد.

جنوبی‌ترین سیکلاد، ترا (یا سانتورینی) نام دارد که شکل هلالی، صخره‌های بلند و خلیج دایره‌ای مرکزی آن، که به وسیله برجستگی‌های آتش‌شانی در دوران باستانی ایجاد شده است، یکی از زیباترین منظره‌های جهان است که مایه میاهات این جزیره است.

جزیره کرت حدود ۱۳۰ کیلومتری جنوب ترا واقع شده است. این جزیره با طول ۲۴۰ کیلومتر و عرض دوازده تا ۵۵ کیلومتر بزرگ‌ترین

کشف مجدد اولمپ باستانی



در این بخش که از تاریخ باستان‌شناسی مصور کمربیج برگزیده شده، حفاری‌هایی که در محل اولمپ انجام شده شرح داده شده است؛ از جمله کشف یک جام که احتمالاً متعلق به فیدیاس بوده که بزرگ‌ترین مجسمه ساز عهد باستان به شمار می‌رود.

اولمپ در پلوپونز غربی در ابتدا مورد توجه حفاران آلمانی قرار گرفت که کار خود را در دهه ۱۸۷۰ در آن ناحیه آغاز کردند. در کانون این مرکز عبادی که به زئوس، خدای بزرگ یونانیان، پیشکش شده بود، یک معبد ستون‌دار به اندازه ۲۸ در ۶۴ متر وجود داشت که از قرن پنجم قبل از میلاد پیکرۀ زئوس ساختهٔ فیدیاس را در خود جای داده بود. گروه حفاری با کندن لایه‌ای از رسوبات زیرساختمان معبد را به طور کامل کشف کرد ولی ستون‌های معبد به دلیل زلزله افتاده بودند. در میان رسوبات پیکرۀ‌هایی با آرایش سنتوری که توسط پاؤسانیاس¹ (جهانگرد باستانی) شرح داده شده است، قرار داشتند: شرح روشن اساس اسطوره‌ای بازی‌های المپیک... نقش بر جسته‌های هرکول که در قاب‌های مستطیل شکلی در طول کناره‌های معبد قرار داشتند. طی حفاری‌های بیشتری که پس از آن صورت گرفت، معبد هرا، همسر زئوس، خزاین تک تک ایالت‌های یونان و استادیوم کلاسیک المپیک – یک راه طولی برای دویدن به طول یک استادیون (۱۹۲/۲۸ متر) که بین نیمکت‌های سنگی موازی به منظور جایگاه تماشاچیان ساخته شده بود، از زیر خاک خارج شد. کار طولانی حفاری در منطقه اولمپ یافته‌های دیگری را هم همراه داشت. پاؤسانیاس در مورد کارگاهی که مجسمه عظیم زئوس از طلا و عاج توسط... فیدیاس ساخته شده، شرح داده است. طی این حفاری‌ها هم کارگاه و هم بقایایی شامل یک پارچ یافت شد که کتیبهٔ باستانی روی آن احتمالاً جمله «من به فیدیاس تعلق دارم» است.

1. Pausanias

ارواح کوه آتوس



کوه بلند آتوس در نوک شبه جزیره خالکیدیکه توسط ارواح ملوانان بی شماری که طی چند هزار سال در آب های دامنه این کوه که در معرض طوفان های مرگبار است جان خود را از دست داده اند، تسخیر شده است. هردوت، مورخ یونانی قرن پنجم قبل از میلاد، در کتاب تواریخ خود غرق شدن یک ناوگان پارسی را در سال ۴۹۲ قبل از میلاد شرح داده است که گزیده ای از آن در اینجا نقل می شود.

از (شمالی ترین جزیره دریای اژه، یعنی) تاسوس، ناوگان در مقابل سرزمین اصلی ایستاد و در طول ساحل به سوی آتوس پیش رفت، اما قبل از این که به این سنگپوز بر سد گرفتار تدبیاد شمالی مرگباری شد که کشتی ها توانایی مقاومت در برابر آن را نداشتند. تعداد زیادی از کشتی ها به سوی ساحل کشیده شده و در برخورد با آتوس در هم شکستند، در واقع طبق گزارش ها حدود سیصد کشتی و بیست هزار مرد تلف شدند. دریای کنار آتوس پراز هیولا (کوسه ماهی) است و کسانی که در برخورد به کوه تکه تکه نشدند، گرفتار کوسه ها شدند، کسانی که قادر به شنا نبودند، غرق شدند و بقیه از سرما مردند.



یکی از چند صومعه زیبای مسیحی که در طول دامنه های ناهموار کوه آتوس ساخته شده است که در نوک شرقی ترین زایده انگشتی شبه جزیره خالکیدیکه واقع شده است.

جزیره یونان و پنجمین جزیره بزرگ دریای مدیترانه است. در منطقه مرکزی جزیره کرت کوه ایدا قرار گرفته که ارتفاعی حدود ۲۴۰۰ متر دارد و قله آن از برف پوشیده شده است. در آنجا، زمین های شیبداری که به سمت شمال کشیده شده اند، دشتی حاصلخیز و نیز خط ساحلی ماسه ای را پدید می آورند که در آن بندرگاه های طبیعی دیده می شود. شهر بندری اصلی که ایراکلیون نام دارد، بیش از ۱۲۰ هزار نفر را در خود جای داده و در ساحل شمالی واقع شده است. خانیا بندر کوچکتری است که در آن

ویرانه‌های دوران و نیزی‌ها چشم‌ها را خبره می‌کند و در پنجاه کیلومتری غرب ایراکلیون واقع شده است. کرت محلی بود که اولین تمدن پیشرفته یونانی (و نیز اروپایی) ظهرور کرد. به این ترتیب، این آخرین منطقه جغرافیایی که مورد بحث قرار گرفت نقطه آغاز تاریخ پرماجراء و رنگارنگ یونان است.

